



پاسخ سوال (۱)

قبل از هر سخن متذکر این معنا می‌شوم که حسب اختلاط فرهنگی و آلودگی زبانی طی حدود دو قرن گذشته واپسین با غرب عموم دریافت‌های ما از اصطلاحات و عبارات و حتی کلمات، در حوزه‌های مختلف نظری و فرهنگی آلوده به شائبه غربزدگی و دریافت کلی غرب در عالم و آدم است. از همین رو، ناخواسته از منظر فرهنگ و تفکر غربی همه اصطلاحات را ترجمه می‌کنیم و در پایان آن برداشت‌ها را با زنگی از دریافت‌های دینی (که اساسا با دریافت‌های جدید متفاوتند) آذین می‌بندیم. در وقت گفتگو از «عدالت اجتماعی» نیز این امر خود را بارز می‌سازد.

در فرهنگ سیاسی و اجتماعی غربی اساسا جایی برای «عدالت» با ویژگی‌های موجود و مطرح در حوزه تفکر و فرهنگ اسلامی وجود ندارد چه مبادی و مبانی تفکر غربی بر بنیاد «ظلم» استوار شده است.

رجوع حیث تفکر انسانی غربی نه به خالق هستی، آسمان و معنی و معنویت بلکه معطوف به «خودبنیادی» و «آمادگی نفس» است. چنانکه از این تفکر با عنوان «امانیسم» (مذهب اصالت انسان) یاد می‌کنیم. در این تفکر که خود ناظر به نوعی «هستی شناسی» است. «انسان» خود را در جایگاه و مقام امر و نهی مطرح می‌کند و از موضع فعال مایشاء خود را مستغنی از خالق هستی و گستره اوامر و نواهی غیبی و پیامبران الهی می‌شناسد.

بی‌گمان تعریف ظالمانه از انسان و مبداء و مقصد او در صحنه هستی نمی‌تواند ناظر بر شکل‌گیری نظام نظری مبتنی بر عدالت و بالاخره شکل‌گیری نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت باشد. از این رو نه تنها میان همه آنچه که از آن (و به غلط) به عنوان عدالت اجتماعی در بدعت غربی یاد می‌کنیم و «عدالت مهدوی» نسبتی نیست بلکه به دلیل تفاوت اساسی در مبداء و مبنای نظری مهدوی در تعارض جدی نیز با آن قرار می‌گیرد.

پر واضح است که «مناسبات و معاملات» مردم متکی و منبعث از «فرهنگ و تفکر» و دریافت کلی از هستی است. به عبارت دیگر مناسبات و معادلات در حوزه مدنیت ما به ازاء خارجی فرهنگ و ظهور دریافت‌های انسان از هستی است. چگونه می‌توان تصور کرد «ما به ازاء خارجی» فرهنگ و سیاستی که اساسا متکی به تعریف و دریافت غیرحقیقی و ظالمانه از هستی است در خود و با خود «عدالت» را متجلی سازد؟

پاسخ سوال (۲)

زمینه‌ها و به اصطلاح شما مقومات عدالت اجتماعی دینی اسلام متکی و مبتنی بر مباحث ذیل

۱. استاد ارجمند جناب آقای اسماعیل شفیعی سروستانی، محقق، نویسنده، سردبیر و مدیر مسؤول موسسه فرهنگی موعود است. از ایشان تالیفات متعددی همچون: جوان، فرهنگ و زندگی، اراده معطوف به حق، اشتراک‌زنی انتظار، نقدی بر مبادی غلوم جدید، بخت خاک و ... و بیش از چهارصد و پنجاه مقاله در مطبوعات منتشر شده است.

است:

اعتراف و ایمان به مبداء غیبی و ماورائی و عادلانه عالم؛
 خلقت عالم بر بنیاد حکمت و دانایی ذاتی حکیمانه؛
 مقصد روشن و ضروری غایت آمدن‌ها و رفتن‌ها؛
 حضور آگاهانه و طراحی شده حکیمانه حجج الهی در میان هستی و بین مردم جهت تنظیم و
 ترتیب کلیه مناسبات فردی و اجتماعی به گونه‌ای که این مناسبات مقرر و هدایت آن منجر به سیر
 مؤمنانه انسان به سوی مقصد روشن و معین الهی شود.
 در حالی که هیچ یک از عناصر سابق الذکر از جایگاهی در حوزه فرهنگی غربی برخوردار
 نیستند.

وقتی که «اصالت تجربه» جایگزین «ایمان به غیب»، «اصالت ترقی» جایگزین «فلاح و
 کمال معنوی»، «دنیا و زمان حال» جانشین حشر و نشر و سوال و جواب و سکنا‌ی الی الابد در
 بهشت عدل و در محضر خالق و مقام رضوان و «تبعیت از نفس فردی و اجتماعی» جایگزین
 «عبودیت و اطاعت» می‌شود جایی برای سیر در «عالم دینی مهدوی عصر ظهور» و استقرار
 «عدالت علوی و مهدوی» باقی نمی‌ماند.

پاسخ سوال (۳)

عدالت اجتماعی مهدوی ناظر بر مشخصات ذیل است:
 حذف کلیه عوامل و عناصری که در مناسبات فردی و اجتماعی موجب بروز «امتزاج» و
 «اختلاط» و «تزاخم» در سیر و سفر انسان در گستره زمین و نیل او به رستگاری می‌شود.
 ایجاد شرایط و مقدمات لازم در مناسبات فردی و اجتماعی به گونه‌ای که «خاطی و جافی» در
 بند و حصر و کنترل و مومن در آزادگی، امنیت و برخورداری عادلانه از نعمات مادی و فرهنگی
 حضرت خداوندی باشد.

کنترل و نظارت بر تمامی مناسبات و عوامل موثر در معاملات و روابط مردم و استقرار نظامی
 که امکان توزیع عادلانه امکانات را برای آحاد ساکنان کره ارض فراهم می‌آورد.
 این سه شاخصه در سه ساحت (فکری، فرهنگی و مادی) اشخاص (انسان مستقر در مجتمع)
 نمود پیدا می‌کند چنانکه این عدالت این سه ساحت تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.
 شایان ذکر است که در سلسله مراتب نظام کیهانی مبتنی بر «حق»، «انسان کامل»، محل و
 مجرای ظهور حق و مظهر تام و اتم صفات و اسماء الهی است. چنانکه «اسم عدل» در عدالت
 مهدوی ظهور و بروز می‌یابد. از همین رو «امام عدل» مصدر عدالت، مبشر عدالت، ناشر عدالت و
 مستحکم کننده بنیادهای نظام عادلانه است. چنانکه بنا باشد «نظام اجتماعی و مدنی» ویژه‌ای
 ایجاد شود که در خود و با خود «عدالت» را داشته باشد و عدل را متجلی و منتشر کند الزاما می-
 بایست «مبتنی بر عدالت» و توسط انسان عادل و حسب نقشه عادلانه، که حقیقت آن در نزد ذات
 حضرت باری است ایجاد شود.

این طرح بی گمان به دست «انسان تربیت شده تحت ارشاد و هدایت امام عدل» محقق می-

شود. از این رو، تربیت انسان عادل شرط ضروری بسط شهری و نظامی متکی به عدالت است. چه هر شهری توسط انسان بر کشیده می‌شود. چنانکه هر شهری محل ظهور مادی انسان است. از همین رو، شهر مهدوی توسط انسان مهدوی و حسب طرح مهدوی و نظارت مهدوی شکل می‌یابد. وجود نظارت و کنترل امام حی و شرایط مناسب مطابق آنچه ذکر شد مقدمه بر کشیده شدن چنین شهری را در خود خواهد داشت.

انسان در این عرصه در نقطه «عدل خود» ظهور می‌کند و بر طریق «عدالت» مشی می‌نماید و حاصل و محصول فعل و زبان او جز «عدالت» و دستاوردهای عادلانه نیست.

پاسخ سوال ۴

جهانی سازی Globalization ناظر بر سیر انسان در عالم غربی است چنان که در مطلب سابق الذکر آمد. جهانی سازی منفک از تاریخ تفکر و فرهنگ غربی نیست. واقعهای که در «مدرنیزاسیون» و یا همان «توسعه» خود را بارز ساخته است. این امر در عالیترین صورت خودش در مدینه تکنولوژیک آمریکایی ظهور یافته است چنانکه امروز «جهانی سازی را مترادف با آمریکایی ساختن فرهنگ» همه ملل و نحل می‌توان دانست.

در «جهانی سازی» ساکنین کلیه سرزمین‌های غیر غربی و از جمله ساکنین شرق بزرگ اسلامی با تبعیت از «استراتژی همسان سازی» به دست خود و با هدایت سازمان‌های جهانی اسباب لازم را برای «استحاله در عالم غربی» و نوعی فرهنگ آمریکایی فراهم می‌آورند. در این شرایط انسان به سرعت و به مدد مفروضات «سکولاریزم و ساینیسم» سلطه جویی و قدرت را امام خویش می‌سازد. در حالی که سلب حیثیت معنوی از عالم و آدم و تکیه بر علم خودبنیاد و مفروضاتی که در عرصه مناسبات اجتماعی مستقر می‌سازد، رهاوردی جز «ظلم و ظلمت» و تیرگی قلبی و بالاخره خسران الی الابد نخواهد داشت. در واقع نظام جهانی مطرح و موجود مابه ازاء خارجی اهل ظلم و مدینه ظلم در آخرین سال‌های غیبت و دوری امام عدل است.

پاسخ سوال ۵

این سوال در مجموعه سه جلدی کتاب استراتژی انتظار پاسخ داده‌ام. به طور خلاصه عرض می‌کنم ما ناگزیر به طی مراتب زیر هستیم:

پرسش از غرب، پرسش از انسان، جهان و طبیعت، خالق هستی. این پرسش مقدمه کشف جایگاه ما در میانه بحران فراگیر فرهنگی و مدنی عصر حاضر است.

تاسیس نظام نظری نوین مبتنی بر «ولایت معصوم» و خلقت هستی مبتنی بر علم و آگاهی و حکمت خداوندی با مراجعه به کلام وحی و کلام ائمه معصومین «علیهم السلام».

تدوین «استراتژی انتظار» جهت ترتیب مناسبات فردی و اجتماعی انسان در عصر غیبت و به قصد قرار گرفتن در مسیری که به بسط «عالم دینی» می‌انجامد.

پاسخ سوال ۶

از آنجا که طی همه سال‌های حکومت پهلوی و سلطه طاغوت هیچگاه زمینه‌های تاسیس

نظام اجتماعی مبتنی بر اصل عدالت اجتماعی فراهم نیامد، میراث این وضعیت در کنار سایر عوامل مشکلات بسیاری را در بسط این اصل ایجاد نموده است از این رو وضعیت کنونی را به «وضعیتی در حال گذار» توصیف کرد. بی‌گمان وضعیت مطلوب و تمنای عمومی دستیابی بدان ایجاب می‌کند که:

موضوع «عدالت» در عموم مناسبات فردی و اجتماعی مورد مطالعه جدی بنیادین و پژوهش میدانی واقع شود.

کلیه نقاط مشکل‌ساز در مناسبات و مصادیق نابرابری اجتماعی توسط واحدهای پژوهشی شناسایی گردد.

تدوین لوایح دقیق برای تصویب قوانین همه‌جانبه و گره‌گشا تنظیم و از طریق مجاری قانونی (مجلس شورای اسلامی) مهیای اجراء در میان مناسبات شود.

سیستم‌های نظارتی و کنترل‌کننده به طور کامل وظیفه بررسی و نظارت را عهده‌دار شوند.